**گزارش کرسی ترویجی «وظایف خود مکلّف در ساماندهی جنسیتی در مراودات اجتماعی»**

### مقدمه

در اهتمام اسلام به تعليم و تربيت زنان و حضور اجتماعي آنان سخني نيست و مقالات و کتب فراوان در اين زمينه نگاشته شده و آيات و روايات بسياري بر اين امر ناظر است؛ اما موضوع «ساماندهی جنسیتی» با اين امر منافاتي ندارد. هرچند این امر مطلق بوده و در مراودات خانوادگي و اجتماعي بسياري جريان دارد، اما اين امر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشي و نیز مراودات خانوادگی و غیره يکي از مسائلي است که بحث‌هايي جنجالي را برانگيخته و موافقين و مخالفين فراواني دارد و مراد از آن، جدا کردن محل تحصيل يا کلاس دو جنس دختر و پسر در مراکز آموزشي است؛ با توجه به ضرورت ذکرشده بررسي فقهي اين امر در درك عميق حکم مسئله کارساز خواهد بود. بنا بر ادله فقهي، تفکيک جنسيتي در مراودات خانوادگي و اجتماعي و مراکز آموزشي، به‌طور مطلق، مطلوب و مستحب است و اگر در اختلاط جنسيتي، علم به ارتکاب گناه باشد، تفکيک جنسيتي از سوي خود مکلّف، خانواده و مسئولين و قانون‌گذار واجب خواهد بود.

البته گاه برداشت از روایات به صورت افراط و تفریط بوده و هست و یکی از دلایل این امر، عدم بررسی فقهی عمیق مساله می‌باشد

این امر از دو منظر قابل بررسی است. منظر اول وظایف خود مکلّف در اینباره و منظر دوم وظایف تربیتی است.

با توجه به حجم زیاد مطالب (لزوم بررسی یک آیه و 9 روایت که بیشترشان صحیحه نیز هستند) در این کرسی فقط به جنبه اول پرداخته می‌شود و جنبه دوم مسأله کرسی یا نشست علمی دیگری را می‌طلبد.

ادله خاص این امر اختصارا به قرار زیر هست:

### 1. آیه 53 احزاب

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ... وَ إِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِن... .))

چهار راه برای تعمیم این آیه به غیر زنان پیامبر (ص) وجود دارد:

1. یک راه برای تسری آیه به غیر زنان رسول خدا (ص) آن است که ضمیر «هنّ» در «سَأَلْتُمُوهُنَّ» به خصوص زنان پیامبر برنگردد و به مطلق زنان دلالت کند.

این احتمال بعید است؛ زیرا اصل، بازگشت ضمیر به مرجع مذکور قبلی بوده و بازگشت به مرجع غیرمقدر، بعید است. آیه شریفه به تکلیف مؤمنان درباره زنان پیامبر (ص) اشاره دارد؛ ازاین‌رو ضمیر به زنان پیامبر (ص) که در بیوت آن حضرت هستند، برمی‌گردد.

2. راه دوم برای تسری به غیر زنان پیامبر، تنقیح مناط خود حکم به غیرزنان رسول اکرم (ص) است؛ به این معنا که الغای خصوصیت شود و خود حکمِ خواستنِ از ورای حجاب، تعمیم یابد.

این راه هم بعید است؛ زیرا ممکن است ویژگی خاصی در زنان پیامبر، باعث ارائه حکم شده باشد؛ حتی در ادامه آیه می‌فرماید: ((وَ لا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدا.)) این تکلیف نیز مختص زنان پیامبر (ص) است و دیگر مؤمنان را در بر نمی‌گیرد.

3. راه سوم، اولویت در غیر زنان پیامبر (ص) است؛ با این تقریر که اگر زوجات نبى (ص) كه نكاحشان بر عموم مسلمانان حرام بود و راه طمعى در آن‌ها نبود، نظر به آن‌ها ممنوع باشد، ديگران كه همه‌گونه تصورات را ممكن‌اند، به طريق اوضح ممنوع می‎‏شوند؛ زيرا آن‌ها هستند كه ممكن است به سبب نظركردن و منظورشدن، در معاصى كبيره واقع شوند.

این راه هم مورد قبول نیست؛ زیرا چنان‌که ذکر شد، امکان دارد درباره زنان پیامبر (ص) خواستار حفظ ابهت و جایگاه آن‌ها باشد و چنین امر خاصی با این مرتبه درباره دیگر زنان جاری نیست؛ چنان‌که برخی فقها در تسری‏نیافتن حکم وجوب به دیگر زنان و در عدم جواز الغای خصوصیت (در وجوب) به غیرزنان پیامبر (ص) آورده‌اند: «(پشت)پرده رفتن براى زنان ديگر بدون شك لازم نيست؛ زيرا اگر زن كاملاً خود را پوشيده بدارد، بى‌شك مى‌تواند در حضور مردها ظاهر شود؛ ولى اين حكم، يك نحو احترام ويژه به بيت پيامبر (ص) است كه زنان آن حضرت بايد در پرده باشند كه حتى شبح كلى‌ اندام آن‌ها هم دیده نشود.»

4. راه چهارم برای تعمیم به غیرزنان پیامبر (ص) استناد به جمله «ذلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِن» است. این جمله به منزله تعلیل و پاک‌ماندن قلب‌ها در غیرزنان حضرت هم، جاری است. در این راه، حکم خواستن از ورای حجاب به غیرزنان حضرت، تعمیم داده نمی‌شود؛ بلکه «اطهریت» در جمله بعدی است که عمومیت دارد؛ یعنی هرچه موجب پاکی بیشتر قلب در روابط زن و مرد شود، مستحب است؛ زیرا اطهر بودن، مراتب زیادی دارد و نمی‌توان گفت که واجب است.

هرچند تعمیم به غیرزنان پیامبر (ص) از راه چهارم، محتمل‌تر است؛ اما باز نمی‌توان به طور قطع از این راه به غیرزنان حضرت، تعمیم داد؛ زیرا در آیه مورد بحث «اطهریت» به «ذلک» برمی‌گردد و مشارالیه «ذلک» مراوده با زنان پیامبر (ص) است، نه مطلق مراوده. ممکن است در غیرزنان پیامبر (ص) آن مرحله از اطهریت، مقصود نباشد و طهارت بیشتر در رابطه مردم با ازواج نبی در این تعلیل دخالت داشته باشد

### 2. صحیحه أبی‌بصیر

مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْكَشِّيُّ فِي كِتَابِ الرِّجَالِ عَنْ حَمْدَوَيْهِ وَ إِبْرَاهِيمُ عَنِ الْعُبَيْدِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي‏بَصِيرٍ قَالَ كُنْتُ أُقْرِئُ امْرَأَةً كُنْتُ أُعَلِّمُهَا الْقُرْآنَ فَمَازَحْتُهَا بِشَيْ‏ءٍ فَقَدِمْتُ عَلَى أَبِي‏جَعْفَرٍ (ع) فَقَالَ لِي أَيَّ شَيْ‏ءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ (فَغَطَّيْتُ وَجْهِي) فَقَالَ: «لَا تَعُودَنَّ إِلَيْهَا.»

طبق این موثقه، مرد و زن هر دو به دوری از مزاح شهوانی و با ریبه در تمام مراودات اجتماعی، مکلف شده‏اند.

### 3. صحیحه اول مسعده

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَرْبَعٌ يُمِتْنَ الْقَلْبَ الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ وَ كَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ يَعْنِي مُحَادَثَتَهُنَّ وَ مُمَارَاةُ الْأَحْمَقِ تَقُولُ وَ يَقُولُ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَداً وَ مُجَالَسَةُ الْمَوْتَى.» فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْمَوْتَى قَالَ: «كُلُّ غَنِيٍّ مُتْرَفٍ ... .»

طبق این موثقه، مراوده خیلی زیاد با زنان نامحرم، کراهت دارد.

### 4. صحیحه دوم مسعدة

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ‏ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي‏عبدالله (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ (ع): «لَا تَبْدَءُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَ لَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ فَإِنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: النِّسَاءُ عَيٌّ وَ عَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ وَ اسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ.»

«لَا تَبْدَءُوا» بر جامع بین حرمت و کراهت نظر داد؛ یعنی در صورت ریبه، حرام و در غیر این‌صورت، کراهت دارد.

### 5. صحیحه غیاث بن إبراهیم

مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي‏عبدالله (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ (ع): «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَ مَا تَسْتَحُونَ.»

طبق این موثقه،در صورت برخورد زنان و مردان حرام است.

### 6. صحیحه ولید بن صبیح

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ‏أبي‏عُمَير عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ‏الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي‏عبدالله (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَوَاتِ الطَّرِيقِ شَيْ‏ءٌ وَ لَكِنَّهَا تَمْشِي فِي جَانِبِ الْحَائِطِ وَ الطَّرِيق.»

«لیس» در حرمت، ظهور دارد؛ اما با توجه به سیره قطعی متشرعه بر عدم حرمت این امر، باید از ظهور آن در حرمت دست برداشت و آن را بر کراهت یا بر مواردی که فتنه باشد، حمل کرد؛ اما حمل آن بر جامع بین حرمت و کراهت، صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ به این معنا که در صورت منجرشدن به فساد، حرام و در غیر آن، مکروه است.

### 7. روایت حسین بن زید

شُعَيْبِ بْنِ وَاقِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ (ع) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: «... وَ نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ ... .»

از لحاظ دلالی بر کراهت‏نداشتنِ صحبت با نامحرم به مقدار ضرورت دلالت دارد و بیش از آن مکروه است؛ البته با توجه به ضعف سند، کراهت هم قابل استخراج نیست.

### 8. روایت سعید بن مسیّب

عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ لِفَاطِمَةَ مَا خَيْرُ النِّسَاءِ قَالَتْ: «(لَا يَرَيْنَ النِّسَاءَ) وَ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَوْنَهُنَّ... .»

تعبیر «خیر النّساء» بر استحباب ندیدن مرد توسط زن و بالعکس دلالت دارد، ولی با توجه به ضعف سند، استحباب هم قابل استخراج نیست.

### 9. سه روایت نهی از سوارکردن زن بر اسب

مثل: «لَا تَحْمِلُوا الْفُرُوجَ عَلَى السُّرُوجِ فَتُهَيِّجُوهُنَّ لِلْفُجُور.»

سند روایات ضعیف است و به کراهت این امر نیز نمی‏توان نظر داد. آری، در صورت یقین به منجرشدن این کار به تحریک جنسی زن یا دیگران و یا گناه زن یا دیگران در صورت تبرّج، مرتکب حرام می‌شوند و جلوگیری بر مربیان هم واجب است؛ اما این وجوب، طبق مفاد قواعد عام، مثل قاعده «وقایه» است و احادیث ضعیف‌السند ذکرشده به‌عنوان مؤیّدی می‌توانند مورد تمسک قرار گیرند؛ اما حرمت و حتی کراهت مطلق سوارشدن زنان بر زین اسب یا موارد مشابه و لزوم جلوگیری مربّیان از این امر، که مفاد روایات مذکور بود، قابل استخراج نیست.

### نتیجه‌گیری

1. استحباب رفت‏و‏آمد کم با جنس مخالف و اختلاط کم، مشترک بیشتر ادله بود.

2. در صورت برخورد فیزیکی زن و مرد، چنین برخوردی حرام است.

3. تکلم با زنان اگر با قصد ریبه باشد، به طور مطلق، حرام است؛ اگر قصد ریبه نباشد، در زنان جوان و زنان پیر زیبایی که تأثیرگذارند، کراهت دارد و در غیر آن کراهت هم ندارد.

4. در حکم خروج زنان از خانه نیز، اگر بیرون‌رفتن زن باعث گناه شود، حرام و در غیر این ‌صورت مکروه است. خانه‌ماندن در حکم حرمت موضوعیتی ندارد و اگر در خانه مرتکب حرام می‌شود، حرمت دارد و اگر در بیرون از خانه مرتکب حرام نمی‌شود، حرمت ندارد.

5. بحث اشتغال زنان هم محکوم به احکام فوق است. در شغل‌های ضروری عنوان ثانوی در صورت اهم‌بودن، مقدم می‌شود.

6. اینکه کسی زنان را نبیند و کسی هم زن را نبیند، یک روایت داشت که معتبر نبود.

در مجموع در صورت خلوت با اجنبی و ریبه و مدافعه حرمت دارد و در بقیه موارد، مراوده زیاد، کراهت دارد و در بقیه موارد، کراهت هم ندارد.